

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نقش بیگانگان در رکود و عقب‌ماندگی ایران

(مطالعه موردی: نقش انگلیس در قحطی بزرگ ۱۹۱۹-۱۹۱۷م در دوره قاجار)

قدیر نجف‌زاده^۱

چکیده

موضوع نقش استعمار و بیگانگان در عقب‌ماندگی جامعه ایران مسئله‌ای است که حول آن بحث‌های زیادی صورت گرفته است و همواره موافقان و مخالفان خاص خود را دارد. جامعه ایران از ابتدای دوره قاجار به طور جدی با جهان غرب آشنا شد، غربی که خود نیز در حال گذراندن تحولات در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فکری و غیره بود. در چنین برهه‌ای از تاریخ یک نکته بسیار مهم و شاخص بود: پیشرفت و ترقی دنیای غرب و در مقابل ضعف و عقب‌ماندگی دنیای شرق و ایران. جامعه ایران که در این دوره به نوعی از خواب غفلت بیدار شده بود از همان ابتدای دوره قاجار در صدد برآمد که این راز پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی جامعه ایران را کشف کند و بر طبق آن، راه پیشرفت و توسعه را در پیش گیرد. در طی این راه تقریباً تمامی تلاش‌ها با شکست مواجه شد. هرچند مشکلات و موانع داخلی یکی از مهم‌ترین دلایل این شکست‌ها بود اما همیشه رد پای استعمار - خصوصاً کشورهایی چون روسیه و انگلیس - در جریان شکست این حرکت‌ها و تکاپوها دیده می‌شود. آنها همواره تلاش می‌کردند این جوامع را در حال رکود و عقب‌ماندگی نگه دارند. در اینجا نیز به بررسی نقش دولت انگلیس در جریان قحطی بزرگ ۱۹۱۹-۱۹۱۷م می‌پردازیم که چگونه انگلیس در این مقطع با درپیش گرفتن سیاست‌های مختلف در پدیدآیی و شدت بخشی این قحطی بزرگ - که از آن به عنوان بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ ایران یاد می‌شود - نقش داشت و باعث رکود جامعه ایران در درازمدت شد.

واژه‌های کلیدی: قحطی بزرگ، انگلیس، رکود و عقب‌ماندگی، جنگ جهانی اول، ایران، قاجار.

۱- مقدمه:

جنگ جهانی اول هنگامی آغاز شد که ایران در زمینه‌های مختلف، اوضاعی آشفته و نابسامان داشت. بحران اقتصادی، وضعیت نامطلوب سیاسی و همچنین مداخلات قدرتهای خارجی ایران را عملاً به یک کشور ورشکسته و وابسته تبدیل کرده بود. این جنگ مخرب جهانی هشت روز پس از تاجگذاری احمد شاه، آخرین پادشاه سلسله قاجار آغاز شد. بلافاصله پس از شروع جنگ، مستوفی الممالک نخست وزیر ایران بی طرفی ایران را در جنگ به همه دنیا اعلان کرد: «دولت ما در این موقع، مسلک بی طرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید» (گراهام، ۱۳۵۸، ۸۹). اما دولت‌های درگیر در جنگ این

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی تهران: najafzadehghadir@yahoo.com

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اعلان بی طرفی ایران را نادیده گرفتند و نیروهای خود را از هر سو وارد ایران نمودند. روس‌ها از بندر انزلی تا اصفهان را اشغال کردند. عثمانی‌ها نیز که از حمایت آلمان‌ها برخوردار بودند از مرزهای غربی وارد کشور شدند و تا همدان پیشروی کردند و انگلیسی‌ها نیز نیروهای خود را در تمام جنوب کشور پراکنده کرده بودند. شدت این تحولات به حدی بود که با پیشروی روس‌ها به سمت تهران مجلس تعطیل شد و حتی شاه و درباریان در صدد انتقال پایتخت به سوی اصفهان برآمدند که وزیران مختار روس و انگلیس از این اقدام آنها جلوگیری کردند (کاظم زاده، ۱۳۷۱، ۵۸۰-۵۷۱).

همزمان با این تغییر و تحولات در تهران، نیروهای انگلیس نیز تمام حوزه جنوب کشور را تحت تسلط خودشان درآورده بودند و ایران عملاً تحت اشغال سه کشور روسیه، انگلیس و عثمانی در آمد. روسیه و انگلیس در خلال جنگ جهانی اول با انعقاد قرار دادهایی ایران را به مناطق تحت نفوذ خودشان تبدیل کردند. یکی از آن‌ها قرارداد معروف ۱۹۱۵م بود که به فاصله ۸۰ روز بعد از اعلان بی طرفی ایران به امضای دو کشور انگلیس و روسیه رسید که به موجب آن دولت روسیه موافقت نمود که قسمت اعظم منطقه بی طرفی که در قرارداد ۱۹۰۷م تعیین شده بود، رسماً ضمیمه منطقه نفوذ اقتصادی بریتانیا گردد و دولت انگلیس نیز در مقابل آزادی عمل کامل روسیه را در بقیه خاک ایران (منطقه نفوذ اقتصادی روس) به رسمیت شناخت (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲، ۴۲۱). بنابراین با اینکه ایران اعلان بی طرفی کرده بود به دلیل موقعیت استراتژیکی خود به اشغال قوای متفقین درآمد. اوضاع ایران این زمان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار آشفته بود. یکی از مهمترین پیامدهای جنگ جهانی اول برای جامعه ایران وقوع قحطی بزرگی بود که در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹م به اوج خود رسید. هرچند عوامل مختلف در وقوع این قحطی بزرگ نقش داشتند اما بدون شک حضور نیروهای خارجی در ایران و بخصوص انگلیسی‌ها در شدت بخشی به آن بسیار موثر بودند. در اینجا تلاش می‌کنیم تا به نقش انگلیس در جریان قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹م بپردازیم.

۲- آغاز قحطی در ایران:

بدون تردید یکی از غم‌انگیزترین وقایع تاریخ معاصر ایران شیوع قحطی مرگباری است که در طی جنگ جهانی اول در ایران اتفاق افتاد. اما نکته تامل برانگیز در این میان عدم توجه و اشاره جدی منابع انگلیسی این دوره به این ماجرا است. و حتی کتاب‌هایی که توسط رجال انگلیسی که در این زمان در ایران بودند نوشته شده‌اند یا به صورت مستقیم به این حوادث اشاره نکرده‌اند و یا اینکه به صورتی کاملاً گذرا از کنار این حادثه عظیم رد شده‌اند. البته همه این اتفاقات به صورت کاملاً آگاهانه صورت گرفته تا نقش دولت انگلیس را در وقوع این ماجرا همچنان پوشیده نگه دارند. مهابت و مخافت این واقعه و آثار همه جانبه و بسیار عمیق آن بر حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و البته جمعیتی ایران به حدی بود که مردم ایران تا سال‌های طولانی پس

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

از این ماجرا نیز از یادآوری خاطرات یا شنیده‌های دهشتناک آن دوران بر خود می‌لرزیدند. در تایید این مدعا کافی است خاطر نشان شود که مجموع تلفات ناشی از این قحطی حداقل ۱۰ میلیون نفر برآورد شده است. اشاره به این نکته ضروری است که قحطی بزرگ سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹م به یکباره بروز نکرد، بلکه پیش زمینه‌های آن از حدود سال ۱۹۱۵ آغاز شده بود. عوامل طبیعی و خشکسالی و کمبود باران آغازگر این ماجرا بود و علت اولیه به وجود آمدن قحطی را باید در عوامل طبیعی جستجو کرد. کاهش نزولات جوی، بروز آفات و متعاقب آن بروز خشکسالی پدیده‌های طبیعی بود که از اواخر ۱۹۱۵م در اکثر مناطق ایران مشاهده می‌شد (عین السلطنه، ۱۳۷۷، ج ۶، ۲۷۷۱). گفته می‌شود که در بعضی از نقاط طی دو سال حتی قطره‌ای باران نبارید و بسیاری از نقاط در ایران در نتیجه کاهش شدید آب رودخانه‌ها، قنات‌ها و چشمه‌سارها به سختی لطمه دید. البته در ادامه عوامل دیگری چون حضور بیگانگان در کشور، سوء استفاده محترکان داخلی و برخی عوامل دیگر آن را تشدید کردند.

پس از وقوع خشکسالی، قحطی پدیدار شد و به تدریج تهران با بحران نان مواجه شد. یکی از بزرگترین مشکلات نان تهران، تقلبات خبازخانه‌ها بود که به بهانه‌های گوناگون از پخت روزانه خود کاسته بودند و حتی چیزهایی را با آرد مخلوط می‌کردند و به مردم بدبخت می‌فروختند. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نیروهای روسی کم‌کم از ایران خارج شدند و البته انگلیسی‌ها به سرعت جای خالی آنها را اشغال می‌نمودند. بنابراین درست در هنگامی که انگلیس در ایران یکه تازی می‌کرد بحران نان در کلیه نواحی کشور به اوج خود رسید و بدیهی بود که مردم عامل شدت بخشیدن به این بحران را انگلیس بدانند. کمبود شدید غله عواقب شومی را در پی داشت. کسانی که نان نداشتند از سر ناچاری به علف خواری یا خوردن گوشت حیوانات بارکش و حتی مردار مجبور شدند. مردم که به خوبی از نقش انگلیسی‌ها در طی این خشکسالی و قحطی آگاه بودند در طی چند مرحله به سفارت انگلیس رفتند و نسبت به کمبود نان اعتراض کردند (آبادیان، ۱۳۸۵، ۲۳۷).

شدت مرگ و میر در تهران در طی این چند سال به حدی زیاد بود که برای کسی که بعد از مدتی دوباره به تهران بر می‌گشت این کمبود جمعیت به راحتی قابل ملموس بود. یحیی دولت‌آبادی که درست بعد از خاتمه جنگ جهانی اول به ایران بازگشت، بعد از چند سال دوری از تهران مشاهدات خود را اینچنین بیان می‌کند: «قحط و غلای سال گذشته، توارد بدبختی‌های بسیار، مرض‌های مسری گوناگون شاید ربع جمعیت تهران را کم کرده است، راستی تهران خلوت شده و کسر جمعیت آن نمایان است» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۴، ۹۰). بنابراین همان طوری که دولت‌آبادی بیان می‌کند و محققان بعدی نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند حدود یک سوم جمعیت تهران در این مدت به خاطر قحطی و گرسنگی مرده‌اند. جدای از تهران سایر مناطق ایران نیز هر کدام به نحوی با مسئله قحطی و گرسنگی مواجه بودند. البته تهران چون مرکزیت داشت و عمده روزنامه‌های

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کشور در آنجا منتشر می شد به همین دلیل اخبار موحش گرسنگی و قحطی را بیش از سایر مناطق بازتاب می دادند اما شهرستان ها کمتر پوشش خبری می یافت.

همدان در میان شهرستان ها یکی از نقاطی بود که بیشترین آسیب را از قحطی بزرگ مقارن جنگ جهانی اول متحمل گردید. چون همدان از نقاط در معرض درگیری روس ها و عثمانی ها بود بسیاری از مناطق و روستاهای آن قربانی این جنگ ویرانگر شدند. عین السلطنه در خاطرات خود وضعیت همدان در این دوره را اینچنین بیان می کند: «خیلی خیلی همدان مغشوش است. از دزدی و غارتگری و گرانی و قحط» (عین السلطنه، ۱۳۷۷، ج ۷، ۳۸۵۶). کردستان و قزوین و فارس از دیگر نقاطی بودند که به شدت درگیر قحطی و گرسنگی بودند. وضعیت جنوب کشور نیز که در تحت سلطه مستقیم انگلیسی ها قرار داشت آشفته تر از سایر مناطق بود. چون انگلیسی ها در هر کجایی که غله ای پیدا می شد به هر قیمتی آن را برای ذخیره سپاهیان خود خریداری می کردند و اینچنین فضا را برای محترکان و سود جویان داخلی فراهم می کردند و به تشدید قحطی دامن می زدند که در ادامه به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

انگلیسی ها در جنگ جهانی اول با نقض استقلال و تمامیت ارضی کشور به شیوه های مختلف در حق مردم ایران ظلم و ستم روا داشتند. شهرها و دهکده ها را خراب کردند و اهالی بیگناه را غارت نمودند. در این شرایط تنها اوضاع گیلان متفاوت از سایر نقاط بود و این هم به سبب حضور میرزا کوچک خان در این منطقه بود و تا زمانی که میرزا کنترل این منطقه را در دست داشت هیچ گزارشی از وجود قحطی در این منطقه ارائه نشده است. میرزا کوچک خان مانع از ورود بیگانگان به منطقه گیلان شده بود و در آن شرایط سخت خدمات زیادی به مردم گیلان انجام داد و گیلان در این دوره پناهگاه بسیاری از مردم بی پناهی شد که از سایر نقاط قحطی زده ایران به سوی گیلان رفته بودند. همچنین میرزا کوچک خان علاوه بر مردم گیلان به فکر مردم سایر نقاط ایران نیز بود و مقدار زیادی از برنج را از گیلان برای مردم قحطی زده تهران فرستاد (صبا، ۱۳۳۶، ش ۱۱۴). البته بعد از اینکه پای روس ها و سپس انگلیس ها به منطقه گیلان باز شد گیلان نیز به دیگر نقاط قحطی زده ایران اضافه شد. چون تمام برنج و غله آن چه به دست روس ها و چه به دست انگلیسی ها جهت فرستادن برای نیروهای خود در جبهه قفقاز خریداری و یا مصادره شد. از دیگر نقاط ایران که در این زمان به شدت گرفتار قحطی بودند می توان به آذربایجان، خراسان، یزد و... اشاره کرد.

۳- کاهش شدید جمعیت ایران در طی وقوع قحطی ۱۹۱۹-۱۹۱۷:

اینکه برخی از مورخان از کاهش شدید جمعیت ایران در طی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹م و بخصوص در اواخر این دوره به عنوان یک قتل و عام حقیقی تعبیر می کنند زیاد دور از حقیقت نیست. چون مقایسه جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ که آغاز جنگ جهانی اول است و سال ۱۹۱۹ که پایان جنگ است نشان می دهد که در

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

طی این چند سال حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران بر اثر قحطی و بیماری از میان رفته اند. برخی از آثار روسی و انگلیسی به جهت کتمان کردن جنایات خود در ایران تلاش می کنند که جمعیت ایران در این دوره را کم نشان دهند تا شدت جنایات آن در از میان رفتن جمعیت ایران کمتر جلوه کند و مدعی هستند که جمعیت ایران پیش از آغاز جنگ یعنی در سال ۱۹۱۴ تنها در حدود ۱۰ میلیون نفر بوده است. در حالیکه برخی از محققان و از جمله محمد قلی مجد در کتاب قحطی بزرگ و با استناد به اسناد و منابع آمریکایی و همچنین گفته های رجال آمریکایی که در آن وقت در ایران بودند به خوبی نشان می دهد که جمعیت واقعی ایران در سال ۱۹۱۴ حداقل ۲۰ میلیون نفر بوده است و در کمال ناباوری این تعداد جمعیت در سال ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است. و حدود چهل سال طول کشیده است تا ایران بتواند به همان جمعیت خود در سال ۱۹۱۴ برسد و تا سال ۱۹۵۶م جمعیت ایران به ۲۰ میلیون نفر نرسید. با استناد به چنین اعدادی است که مجد با اطمینان قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹ ایران را بزرگترین فاجعه تاریخ ایران و شاید بدترین قتل عام قرن بیستم می داند (مجد، ۱۳۸۷، ۸۷).

با توجه با اینکه جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ حداقل ۲۰ میلیون نفر بود، جمعیت ایران در سال ۱۹۱۹م با یک نرخ رشد طبیعی باید با ۲۱ میلیون نفر افزایش پیدا می کرد. اما ارقام نشان می دهند که شمار زیادی از جمعیت ایران در جریان جنگ جهانی اول و قحطی حاصل از آن از میان رفته اند و جمعیت ایران در پایان جنگ نه تنها رشدی نداشته است بلکه حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران در طی این چند سال مقارن جنگ جهانی اول از میان رفته اند. افرادی همچون کالدول و سایکس جمعیت ایران را در سال ۱۹۲۰م حدود ۱۰ میلیون نفر تخمین زده اند (همان، ۹۲). بنابراین در طی این مدت جمعیت ایران به شدت کاهش یافته است و قحطی ۱۹۱۷-۱۹۱۹م بزرگترین قحطی در طول تاریخ ایران بوده است و همه این ها در حالی صورت گرفته است که ایران در طول جنگ جهانی اول کاملاً بی طرف بود و در ابتدای جنگ نیز بی طرفی خود را به تمام دول درگیر جنگ اعلان کرده بود. این حوادث و وقایع نشان می دهد که ایران علیرغم بی طرفی در حقیقت بزرگترین قربانی جنگ جهانی اول بوده است.

۴- نقش انگلیس در جریان قحطی ۱۹۱۷-۱۹۱۹م:

اگرچه در وقوع قحطی ایران در دوره مورد نظر عوامل دیگری چون وقوع خشکسالی، حضور قوای روس و عثمانی در ایران، سوء استفاده محترکان داخلی در احتکار غله مورد نیاز مردم و ... نقش داشتند اما با مطالعه منابع و اسناد مربوط به این دوره متوجه یک حقیقت تلخ می شویم و آن نقش پررنگ و آگاهانه انگلیس چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم در وقوع و شدت بخشیدن این قحطی بزرگ است. انگلیس در طی این مدت به انحاء مختلفی چون خرید گسترده مواد غذایی ایران، جلوگیری از ورود مواد غذایی از خارج به ایران،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خرابکاری در تجارت خارجی ایران، ضبط درآمدهای نفتی ایران و محروم کردن ایران از پول و منابع مالی نقش اصلی را در تشدید این قحطی و پیامد های نامطلوب آن ایفا کرد که در ادامه به طور مختصر به هر کدام از موارد بالا اشاره می کنیم.

۵- محروم کردن ایران از مواد غذایی در دوران قحطی توسط انگلیس:

انگلیسی ها در دوران حضور خود در ایران در زمان جنگ جهانی اول با خرید غله و مواد غذایی ایران در تمام نقاط ایران و تحت هر شرایطی، بزرگترین ضربه را به جامعه قحطی زده ایران وارد کردند. اگرچه روس ها نیز با خرید غله تا حد زیادی در مقابل خساراتی که غرب ایران را فراگرفت و باعث قحطی و رنج مردم شدند، مسئول بودند اما به هیچ وجه اقدامات و جنایت های آن ها با انگلیسی ها قابل مقایسه نیست. چون از یک سو با وقوع انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، نیروهای روسی به مرور از ایران خارج شدند و از سوی دیگر بحران اصلی در جریان این قحطی بزرگ به سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ مربوط می شود که در طی این سال ها روس ها در ایران نبودند و تمام ایران تحت تسلط انگلیس بود. در زمانی که قحطی مرگبار مردم ایران را تلف می کرد، انگلیسی ها درگیر خرید گسترده مواد غذایی صرفا به منظور ذخیره ارزاق برای نیروهای خود در ایران و جنوب روسیه و منطقه قفقاز بودند درحالی که به راحتی می توانستند غله مورد نیاز خود و حتی مقداری غله جهت جلوگیری از این قحطی بزرگ، از هند و یا بین النهرین به ایران وارد کنند اما چنین اقدامی انجام ندادند.

بنابراین در طی این مدت تنها محترکان داخلی نبودند که با احتکار جنس مورد نیاز مردم تیشه به ریشه کشور می زدند بلکه انگلیسی ها نیز با قدرت تمام در این راه فعال بودند و به صورت مستقیم و یا از طریق دلانان خود مشغول خریدن جنس و غله در جای جای ایران بودند. نکته ای که در روزنامه های آن دوره نیز به وفور بازتاب پیدا کرده است. روزنامه "زبان آزاد" یکی از روزنامه های آن دوره است که درباره موضوع خریدن و احتکار غله مورد نیاز مردم ایران توسط نیروهای انگلیسی چنین می نویسد: «ماموران انگلیسی، چه مستقیم و چه به دستگیری دلانان مظلوم مشغول خریدن جنس در جنوب کشور هستند» و هر جا جنسی می یابند به قیمت گزاف می خرند و انبار می کنند. آن ها به هیچ وجه رعایت حال فلاکت بار مردم را نمی کردند و کمی غله در آن حدود که باعث گرسنگی روزافزون مردم می شد، برایشان کوچکترین اهمیتی نداشت «تولید یک نوع وحشت برای برای اهالی بیچاره فراهم شده است» (زبان آزاد، ۱۳۳۵، ش ۲۳).

انگلیسی ها در هر نقطه از ایران که جنس و غله ای پیدا می شد به قیمت گزاف آن را می خریدند و همان طوری که قحطی شدت می گرفت خرید غله نیز از سوی آن ها افزایش پیدا می کرد. این مسئله باعث می شد که محترکان داخلی نیز از این وضعیت سوء استفاده کنند و به طمع قیمت بیشتر غله خود را از انبارها خارج نکنند که باعث فراگیر شدن قحطی و گرسنگی می شد. حتی منابع بازگو می کنند که خود احمد شاه قاجار در

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این شرایط یکی از یزرگترین محترکران غله به حساب می‌آید و زمانی که موسسه‌های خیریه آمریکایی در این شرایط بحرانی به کمک مردم ایران شتافتند و به دلیل مشکلات حمل و نقل و ناامنی راه‌ها امکان حمل سریع غله از خارج به ایران در اسرع وقت وجود نداشت در صدد برآمدند که از طریق خریدن غله از محترکران داخلی، آن را در میان مردم قحطی زده پخش کنند. در این شرایط هنگامی که یکی از نمایندگان آن‌ها به سراغ احمد شاه به عنوان یکی از یزرگترین محترکران غله رفت او در طی چند مرحله قیمت اجناس احتکاری خود را بالا برد و در آخر نیز از فروش آن‌ها در بالاترین قیمت ممکن به طمع سود بیشتر در آینده خودداری کرد (مجد، ۱۳۸۷، ۲۰۳-۲۰۲). و نکته تاسف‌انگیز اینکه شاه ایران در چنین شرایطی اصلاً توجهی به این مسئله نمی‌کند که بنا است که این گندم و غله برای تغذیه رعایای گرسنه خود او به مصرف برسد.

قحطی در گیلان نیز از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد که گیلان پس از اشغال از سوی انگلیسی‌ها دچار قحطی شده است. قحطی در گیلان به طور کلی ناشی از صدور مواد غذایی این منطقه توسط انگلیس به باکو بوده است. چون انگلیسی‌ها در ۱۹۱۸ نیرویی نیز به باکو اعزام کرده بودند و برای تامین آذوقه سربازان خود و مقابله با قحطی در منطقه باکو تا آنجا که توانستند آذوقه و محصولات غذایی گیلان را خریداری و یا صادره کردند و به زودی مردم گیلان از منابع غذایی خود مانند برنج، هندوانه و حتی خاویار محروم شدند. در شرایطی که مردم ایران و به تبع آن گیلان در اوج قحطی و گرسنگی بودند انگلیسی‌ها بدون توجه به این وضعیت غله گیلان و بخصوص برنج آن را به باکو ارسال می‌کردند. خریدهای گسترده انگلیسی‌ها منجر به بالا رفتن بی‌رویه قیمت‌ها می‌شد که همین عامل باعث طمع ملاکان و محترکران می‌شد که همچنان غله خود را به طمع افزایش قیمت در آینده در انبار نگه دارند. نقش بارز انگلیس در تشدید قحطی چنان واضح و بدیهی بود که در مطبوعات آن زمان به وضوح انعکاس پیدا کرده است. برای مثال "ستاره ایران" که یکی دیگر از روزنامه‌های آن دوره است در یکی از شماره‌های خود قحطی را کار انگلیس می‌داند و معتقد است که انگلیسی‌ها قبلاً چنین کار مشابهی را در هند نیز انجام داده‌اند و بیان می‌کند که برخی از مناطق ایران مثل شوشتر که قبلاً محصولات آن جمعیت زیادی را تامین می‌کردند امروزه اوضاع آن به گونه‌ای شده است که ساکنان آن دسته دسته به جهت گرسنگی در حال تلف شدن هستند و تمام این حوادث را ناشی از اعمال انگلیسی‌ها در تمام ایران بخصوص خوزستان می‌داند و در ادامه اینچنین ادامه می‌دهد: «آنچه بخت النصر به اورشلیم کرد انگلیسی‌ها به خوزستان کردند» (صبا، ۱۳۳۶، ش ۹۷).

گناه نابخشودنی تر انگلیسی‌ها در جریان قحطی ۱۹۱۹-۱۹۱۷ این بود که در جریان مبارزه خود با ترکان عثمانی و هنگامی که در برخی از مناطق با پیشروی ترکان عثمانی مواجه شدند چون نمی‌توانستند آذوقه‌ای را که از دست مردم قحطی زده خارج کرده بودند با خود حمل کنند و به جهت اینکه این آذوقه‌ها به دست

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عثمانی‌ها نیفتند همه این آذوقه‌ها را به شکل حساب شده از میان می‌بردند. شهر "میانه" یکی از این مناطق بود که در جریان درگیری‌های دو طرف به دست عثمانی‌ها افتاد اما انگلیسی‌ها قبل از تخیله شهر میانه تمام ذخیره گندم و جوی که در شهر بود و یه جای اینکه حداقل در چنین شرایط بغرنجی این آذوقه‌ها را در اختیار مردم قحطی زده شهر قرار دهند همه آن را از میان بردند (مجد، ۱۳۸۷، ۱۲۷-۱۲۶). بدون تردید از میان بردن آذوقه یک شهر در زمان قحطی چیزی غیر از جنایت جنگی محسوب نمی‌شود.

۶- ضبط درآمدهای نفتی ایران توسط انگلیس در دوران قحطی:

با آغاز جنگ جهانی اول علاوه بر اوضاع سیاسی و اقتصادی، اوضاع مالی دولت ایران نیز به سرعت رو به وخامت گذاشت و البته در اینجا نیز به خوبی رد پای دولت انگلیس دیده می‌شود که تلاش می‌کرد با سوء استفاده از این وضعیت بحرانی و بدون توجه به شرایط قحطی که مردم ایران در آن قرار داشتند، دولت ایران را هرچه بیشتر و بیشتر تحت تسلط خود درآورد. انگلیس جهت نیل به این مقصود خود درآمدهای ناچیز نفتی ایران از قرارداد داری را از سال ۱۹۱۵ قطع کرد. دولت انگلیس که با خرید بی رویه آذوقه جریان قحطی را در ایران تشدید کرده بود با این اقدام ضبط درآمدهای نفتی نیز دولت ایران را بیش از گذشته در تنگنا قرار داد و در حقیقت باعث افزایش شمار قربانیان قحطی شد. چون که دولت ایران با اتکالی به همین درآمد ناچیز نیز می‌توانست جان بسیاری از قحطی زدگان را نجات دهد. بهانه انگلیس برای ضبط درآمدهای نفتی ایران در این اوضاع حساس این بود که برخی از ایلات خوزستان به تحریک نیروهای آلمان و عثمانی برخی از چاه‌های شرکت نفت ایران و انگلیس و خطوط انتقال لوله نفت را تخریب کرده بودند و دولت انگلیس نیز در این ماجرا دولت ایران را مسئول آن تلقی می‌کرد و برای جبران این خسارت برداشت حق الامتیاز ایران را مسدود کرد.

این امر در شرایطی اتفاق افتاد که خسارت واقعی به خطوط لوله نفت تنها در حدود ۱۰۰۰۰۰۰ هزار دلار بود و علاوه بر این در ماده ۱۴ امتیاز نامه داری تاکید شده بود که ایران تنها متعهد به حفاظت از اموال شرکت و جان کارکنان شرکت بود و درباره زیان یا خسارات ناشی از حوادث خارج از کنترل خود هیچ مسئولیتی ندارد (شمیم، ۱۳۴۵، ۲۸۸-۲۸۷). بنابراین در طی سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۵ ایران می‌بایست هشت میلیون پوند از سهم خود از درآمد نفت دریافت می‌کرد درحالی‌که انگلیس این درآمد را مسدود کرد. بدون شک جان میلیون‌ها ایرانی در صورت پرداخت این پول می‌توانست نجات پیدا کند و این یکی دیگر از جنایات‌های دولت انگلیس در ایران در طول جنگ جهانی اول بود.

۷- نتیجه:

بررسی تحلیلی قحطی بزرگ ۱۹۱۹-۱۹۱۷م ایران به روشنی گویای این واقعیت است که در کنار عوامل طبیعی و جغرافیایی مثل کمبود منابع آبی و همچنین سوء استفاده برخی از عناصر داخلی در احتکار غله،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دولت انگلیس نیز سهم شایان و تعیین کننده ای در ایجاد و تشدید این قحطی بزرگ در ایران داشت. مجموعه ای از عوامل در کنار یکدیگر قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹ را پدید آوردند. انگلیس در ابتدا با نقض بی طرفی ایران نیروهای خود را وارد ایران کرد و حضور آن ها به همراه روس ها و عثمانی ها امنیت ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. پس از شدت گرفتن قحطی نیز دولت انگلیس از یک سو به جهت ذخیره تغذیه سپاهیان خود با قیمت های گزاف غله ناچیز ایران را خریداری کردند، غله ای که در آن شرایط مردم قحطی زده ایران بیش از هر کس دیگری بدان احتیاج داشتند و اینچنین باعث تشدید قحطی شدند. از سوی دیگر نیز با قطع درآمد های نفتی ایران توسط دولت انگلیس و اخلال در تجارت ایران، انگلیسی ها مانع از آن شدند که دولت ایران با این درآمد حاصل از نفت به داد مردم قحطی زده برسد. بنابراین نقش انگلیس در ایجاد و تشدید قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م که موجب از میان رفتن ۱۰ میلیون از جمعیت ایران شد بدون هیچ گونه اغراقی بسیار شاخص و کلیدی است.

منابع:

۱- کتاب ها:

-آبادیان، حسین، (۱۳۸۵)، ایران؛ از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

- دولت آبادی، یحیی، (۱۳۷۱)، حیات یحیی، ج ۳ و ج ۴، تهران: فردوسی-عطار.

- شیخ الاسلامی، محمد جواد، (۱۳۹۲)، سیمای احمد شاه قاجار، تهران: ماهی.

- شمیم، علی اصغر، (۱۳۴۵)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات بهزاد.

- عین السطنه، (۱۳۷۱)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار-مسعود سالور، ج ۵ و ج ۶ و ج ۷، تهران: اساطیر.

- کاظم زاده، فیروز، (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

- گراهام، رابرت، (۱۳۵۸)، ایران سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروز نیا، تهران: سحاب.

۲- روزنامه ها:

- زبان آزاد، دوره سال ۱۳۳۵ ق.

- ستاره ایران، دوره سال های ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷ ق.